



تحليل راهبردى پيام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملي خليج فارس



متن پیام

حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج فارس، با تأکید بر رقم خوردن فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه، قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز را به نفع آسایش و پیشرفت همه‌ی ملّت‌های منطقه دانستند. متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از نعمت‌های بی‌بدیل خداوند متعال برای ملّت‌های مسلمان منطقه‌ی ما خصوصاً مردم شریف ایران اسلامی، موهبت «خلیج فارس» است. نعمتی فراتر از یک پهنه‌ی آبی که بخشی از هویت و تمدن‌مان را شکل داده و علاوه بر نقطه اتصال ملّت‌ها، مسیر حیاتی و منحصر به فرد اقتصاد جهانی را در تنگه هرمز و پس از آن دریای عمان ایجاد کرده است. این سرمایه‌ی راهبردی، طمع شیاطین بسیاری را در قرن‌های گذشته برانگیخته و سابقه‌ی تجاوزهای مکرر بیگانگان اروپایی و آمریکایی، ناامنی‌ها، ضررها و تهدیدهای متعدد برای کشورهای منطقه، تنها گوشه‌ای از نقشه‌های شوم مستکبران جهان علیه ساکنان منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که تازه‌ترین نمونه‌ی آن قداره‌کشی‌های اخیر شیطان بزرگ بود.

ملّت ایران که دارای بیشترین ساحل خاکی خلیج فارس است، بیشترین جانفشانی‌ها را در راه استقلال خلیج فارس و مقابله با بیگانگان و متجاوزان داشته است؛ از اخراج پرتغالی‌ها و آزادسازی تنگه هرمز که مبنای نامگذاری دهم اردیبهشت ماه به عنوان روز ملی خلیج فارس شده است، تا مبارزه علیه استعمار هلند و نیز حماسه‌های مقاومت در مقابل استعمار انگلیس و... اما انقلاب اسلامی، نقطه عطف این مقاومت‌ها در کوتاه کردن دست مستکبران از منطقه‌ی خلیج فارس بود و امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه‌ی آمریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است.

ملّت‌های منطقه خلیج فارس که سال‌های متمادی به سکوت و ذلّت‌پذیری حاکمان در برابر زورگویان و تجاوزکاران عادت کرده بودند، در شصت روز گذشته جلوه‌های زیبای صلابت، هوشیاری و مجاهدت دلاورمردان نیروهای دریایی ارتش و سپاه را در کنار غیرت و سلحشوری مردم و جوانان خطّه‌ی جنوب ایران عزیز در نفی سلطه‌ی بیگانگان به چشم خود دیدند.

امروز به عنایات حضرت حق جَلَّوَعَلَا و به برکت خون شهدای مظلوم جنگ تحمیلی سوم علی‌الخصوص رهبر عظیم‌الشأن و دوراندیش انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، نه فقط در میان افکار عمومی جهان و ملّت‌های منطقه، حتی برای سلاطین و

حاکمان کشورها نیز ثابت شد که حضور بیگانگان آمریکایی و لانه‌گزینی و آشیانه‌کردن آنها در سرزمین‌های خلیج فارس، مهمترین عامل ناامنی در منطقه است و پایگاه‌های پوشالی آمریکا تاب و توان تأمین امنیت خود را نیز ندارد، چه رسد به اینکه امیدی به تأمین امنیت وابستگان و آمریکاپرستان منطقه توسط آمریکا باشد.

به حول و قوه الهی آینده‌ی درخشان منطقه‌ی خلیج فارس، آینده‌ای بدون آمریکا و در خدمت پیشرفت، آسایش و رفاه ملت‌هایش خواهد بود. ما با همسایگان‌مان در پهنه‌ی آبی خلیج فارس و دریای عمان «هم‌سرنوشت» هستیم و بیگانگانی که از هزاران کیلومتر دورتر، طمع کارانه در آن شرارت می‌کنند، جایی در آن ندارند مگر در قعر آب‌هایش. و زنجیره‌ی این ظفر که به لطف پروردگار تبارک و تعالی در سایه‌ی تدابیر و سیاست‌های مقاومت و راهبرد ایران قوی محقق شده است، طلیعه‌ی نظم جدید منطقه و جهان خواهد بود.

امروز برانگیختگی معجزه‌گون ملت ایران، منحصر در ده‌ها میلیون جان‌فدای مبارزه با صهیونیسم و آمریکای خون‌ریز نمانده و پیشاپیش صفوف به‌هم پیوسته امت مبعوث شده‌ی اسلامی؛ نود میلیون هموطن غیور و شریف ایرانی داخل و خارج از کشور، تمامی ظرفیت‌های هویتی، معنوی، انسانی، علمی، صنعتی و فناوری‌های پایه‌ای و نوین -از نانو و بیو تا هسته‌ای و موشکی- را سرمایه‌ی ملی خود فرض کرده و همچون مرزهای آبی، خاکی و هوایی، پاسدار آن خواهند بود.

ایران اسلامی با شکر عملی نعمت اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه‌ی خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوء استفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید. قواعد حقوقی و اعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه‌ی ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد؛ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۱۰/اردیبهشت/۱۴۰۵

۲۵ محور راهبردی در تحلیل پیام مقام معظم رهبری به مناسبت روز ملی خلیج فارس

مقدمه

پیام مقام معظم رهبری حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت روز ملی خلیج فارس را نباید صرفاً یک کنش دیپلماتیک یا یک تبریک تقویمی قلمداد کرد؛ بلکه این متن در لایه‌های زیرین خود، یک «مانیفست نوین ژئوپلیتیک» است که دکرین امنیتی و تمدنی ایران را در آغاز قرن جدید بازتعریف می‌کند. این پیام با عبور از نگاه‌های سنتی، خلیج فارس را از یک پهنه جغرافیایی به یک «حوزه نفوذ راهبردی و هویتی» ارتقا می‌دهد که در آن، امنیت ملی ایران با امنیت انرژی جهان و نظم بین‌الملل گره خورده است.

در این بیانیه، «تنگه هرمز» نه فقط یک مسیر مواصلاتی، بلکه به عنوان «نقطه پرگار قدرت» در غرب آسیا معرفی می‌شود که مدیریت مستقل آن، کلید ورود به نظم جدید منطقه‌ای است.

این نوشتار با رویکردی چندبعدی، دلالت‌های پیام مذکور را در چهار سطح تاریخی، امنیتی، اقتصادی و بازدارندگی واکاوی می‌کند تا مشخص شود که چگونه یک پیام مناسبتی، می‌تواند نقشه راه راهبردی ایران را در تقابل با هژمونی غرب و تثبیت حاکمیت ملی ترسیم نماید. در ادامه، ۲۵ محور تفصیلی که ابعاد پنهان و آشکار این بیانیه را کالبدشکافی می‌کنند، ارائه شده است:

۱- خلیج فارس؛ پیوند میان هویت تاریخی و نظم نوین منطقه‌ای

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز خلیج فارس، علاوه بر ادبیات شورانگیز و متقنی که دارد، امروز ایران را به عمق تاریخ متصل می‌کند و تا امتداد آینده راهنمایی می‌کند. رهبری با این پیام، اولاً نشان می‌دهند که طمع دشمن به خلیج فارس و تنگه هرمز مربوط به شصت روز گذشته نیست و این خلیج، چنگ‌اندازی بسیاری از استعمارگران را دیده است ولی با عزم و اراده ملت ایران، همچنان ایرانی باقی مانده است. از دیگر سو، این پیام نظم نوین این منطقه را ابلاغ و اعلام کرده است؛ ویژگی این نظم جدید، عقب‌راندن غریبه‌ها، ناکام‌ماندن حاکم آمریکاپرست و شریک‌شدن ملت‌های منطقه در رفاه حاصل از این دارایی استراتژیک است. رهبری در این پیام، مبارزه امروز ملت ما را در امتداد تاریخ و در افق آینده پرفروغ ملت ایران تعریف می‌کنند. این مقطع نیز روزی به تاریخ خواهد پیوست و مقاومت مردم ما همچون رشادت امام‌قلی‌خان و مردم جنوب در تاریخ ماندگار خواهد شد.

۲- دلالت‌های مذاکراتی پیام رهبر انقلاب:

- تنگه هرمز سرمایه راهبردی ماست: یعنی معامله‌پذیر نیست.

- آینده خلیج فارس بدون آمریکا ترسیم شده: یعنی حضورش رو به حذف است.
- مدیریت تنگه هرمز در اختیار ایران است: یعنی تصمیم‌گیری مستقل انجام می‌شود.
- این مدیریت، آغاز نظم جدید منطقه است: یعنی نقش آمریکا تمام می‌شود.
- منافع اقتصادی تنگه به مردم می‌رسد: یعنی عوارض و .. را خواهیم گرفت.
- فناوری هسته‌ای و موشکی سرمایه ملی است؛ یعنی قابل مذاکره نیست.

این مجموعه گزاره‌ها در کنار یکدیگر نشان می‌دهد که پیام مذکور تنها یک پیام نمادین نیست، بلکه چارچوبی از خطوط قرمز راهبردی ایران را در برابر قدرت‌های خارجی ترسیم می‌کند.

۳- تبدیل خلیج فارس از یک موقعیت جغرافیایی به یک مفهوم تمدنی

خلیج فارس در این دیدگاه، به عنوان «قلب تپنده هویت ایرانی» تعریف می‌شود. این تغییر پارادایم به معنای آن است که هرگونه تعرض به این پهنه آبی، نه یک تنش مرزی ساده، بلکه هجمه به ریشه‌های تمدنی ملتی است که هزاران سال پاسدار این میراث بوده‌اند. در این لایه، پیوندی ناگسستنی میان «جغرافیا» و «تاریخ» برقرار می‌شود تا صیانت از آن به یک آرمان ملی و اعتقادی بدل گردد.

۴- بازخوانی حافظه تاریخی مقاومت ایرانیان؛ از استعمار کلاسیک تا نوین

این پیام با پل زدن میان مبارزات ضدپرتغالی قرن ۱۷ میلادی و ایستادگی در برابر ناوگان‌های مدرن امروزی، بر یک «پیوستگی تاریخی» تأکید دارد. تحلیل این بند نشان می‌دهد که دشمنان تنها ابزارهایشان تغییر کرده (از کشتی‌های بادبانی به ناوهای هواپیمابر)، اما ماهیت سلطه‌جویی ثابت مانده است. یادآوری شکست استعمارگران قدیم، پیامی صریح برای بازیگران فعلی دارد: خاکریزهای خلیج فارس برای متجاوزان همواره به گورستان جاه‌طلبی‌ها تبدیل شده است.

۵- تثبیت روایت اصیل در جنگ نرم و جعل واژگان

در دنیایی که «جنگ روایت‌ها» به موازات جنگ‌های سخت در جریان است، تأکید بر هویت «فارس» برای این خلیج، یک اقدام پدافندی در برابر پروژه «هویت‌سازی‌های جعلی» است. این پیام تبیین می‌کند که صیانت از نام خلیج فارس، صیانت از حقیقت تاریخی در برابر دلارهای نفتی و تحریف‌های سیاسی است. این لایه از تحلیل، پیام را به یک مرجعیت علمی و تاریخی در عرصه بین‌الملل تبدیل می‌کند.

۶- دکترین امنیت درون‌زا و نفی قیومیت خارجی

امنیت در این پیام، کالایی وارداتی نیست که با حضور ناوگان پنجم آمریکا تامین شود، بلکه محصولی «بومی و مشارکتی» تعریف شده است. تحلیل راهبردی این بند نشان می‌دهد که ایران به دنبال برچیدن نظام «امنیت اجاره‌ای» در منطقه است. از این منظر، حضور بیگانگان نه تنها راه حل نیست، بلکه خودِ صورت مسئله و علت اصلی بی‌ثباتی و مسابقه تسلیحاتی در غرب آسیاست.

۷- تثبیت نقش ایران به عنوان «لنگرگاه ثبات» و قدرت محوری

ایران در این پیام نه به عنوان یک بازیگر عادی، بلکه به عنوان «ستون فقرات امنیت منطقه» بازتعریف می‌شود. این جایگاه به دلیل اشراف بر طولانی‌ترین کرانه ساحلی و تسلط بر گلوگاه‌های حیاتی، ایران را در موقعیتی قرار می‌دهد که هیچ نظم منطقه‌ای بدون اراده و مشارکت تهران به ثبات نخواهد رسید. این بند، پیام را به ابزاری برای تثبیت برتری ژئوپلیتیک ایران تبدیل می‌کند.

۸- تنگه هرمز؛ سلاح راهبردی در دیپلماسی اجبار

تنگه هرمز در این تحلیل از یک گذرگاه تجاری به یک «ابزار اعمال اراده ملی» تغییر وضعیت می‌دهد. پیام بر این واقعیت استوار است که کلید جریان انرژی جهان در جیب ایران است. این یعنی ایران قادر است هزینه رفتارهای خصمانه را در ابعاد بین‌المللی افزایش دهد. این اهرم ژئوپلیتیکی، توازن قدرت را از اتاق‌های فکر واشینگتن به سواحل مکران و هرمزگان منتقل می‌کند.

۹- تفکیک ناپذیری استقلال سیاسی از اقتدار فناوری

تاکید بر فناوری‌های هسته‌ای و موشکی در کنار نام خلیج فارس، نشان‌دهنده یک «بسته قدرت یکپارچه» است. تحلیل این محور بیانگر آن است که امنیت خلیج فارس با توان بازدارندگی موشکی و پیشرفت علمی گره خورده است. ایران با این پیام اعلام می‌کند که نه تنها بر آب‌های خود مسلط است، بلکه ابزارهای نوین حفاظت از این سلطه را نیز خود تولید کرده و هرگز بر سر آن‌ها پشت میز مذاکره نخواهد نشست.

۱۰- پیوند توان دفاعی با «مسئولیت منطقه‌ای»

در این پیام، قدرت نظامی ایران (از پهپادها تا شناورهای تندرو) به عنوان چتری برای کل منطقه معرفی می‌شود. تحلیل این است که ایران قصد دارد به همسایگان اطمینان دهد که قدرت نظامی‌اش نه یک تهدید برای آن‌ها، بلکه سدی در برابر دست‌اندازی‌های فرامنطقه‌ای است. این رویکرد، «ترس از ایران» را با «اتکا به ایران» جایگزین می‌کند.

۱۱- دموکراتیزه کردن منافع اقتصادی منطقه (پایان غارت)

پیام حاوی یک نگاه اقتصادی عدالت‌محور است؛ ثروت خلیج فارس باید به جای واریز شدن به حساب کارخانه‌های اسلحه‌سازی غربی، صرف رفاه ملت‌های منطقه شود. این بند به دنبال ایجاد یک «**بلوک اقتصادی منطقه‌ای**» است که در آن ثروت ملی صرف توسعه بومی شود، نه خرید امنیت کاذب از قدرت‌های خارجی.

۱۲- ارتقای «گفتمان مقاومت» به سطح یک الگوی حکمرانی دریایی

این پیام، خلیج فارس را به صحنه تقابل دو گفتمان تبدیل می‌کند: «تسلیم در برابر نظم آمریکایی» و «مقاومت برای نظم مستقل». تحلیل نشان می‌دهد که ایران با موفقیت توانسته است مدل مقاومت را از خشکی به دریا تسری دهد و ثابت کند که می‌توان در حساس‌ترین نقطه جهان، مستقل از اراده ابرقدرت‌ها عمل کرد.

۱۳- هم‌افزایی جغرافیای سیاسی و اقتصادی در مسیر «شمال-جنوب»

در لایه‌های عمیق‌تر، این پیام به ظرفیت‌های ترانزیتی خلیج فارس اشاره دارد. پیوند دادن امنیت این منطقه به اقتصاد جهانی، به معنای آن است که ایران قصد دارد خلیج فارس را به عنوان حلقه اصلی کریدورهای بین‌المللی تثبیت کند؛ جایی که امنیت تجارت جهانی با امنیت ملی ایران گره می‌خورد.

۱۴- بازدارندگی فعال؛ هشدار صریح به اتاق‌های جنگ

لحن پیام در عین متانت، واجد یک «**نهییب راهبردی**» است. تحلیل این بخش نشان می‌دهد که هرگونه محاسبه غلط از سوی بازیگران مداخله‌گر، با واکنشی مواجه خواهد شد که جغرافیای نبرد را ایران تعیین می‌کند. این پیام با هدف جلوگیری از وقوع جنگ از طریق نمایش اقتدار صادر شده است.

۱۵- دیپلماسی همسایگی؛ گذار از تنش به همکاری

پیام ولی امر مسلمین دست دوستی به سوی پایتخت‌های منطقه دراز می‌کند، اما با این شرط که «خانه را خودمان اداره کنیم». این بند تحلیل‌گر یک دیپلماسی جدید است که در آن ایران، همسایگان را به مشارکت در یک نظم نوین بدون حضور آمریکا فرا می‌خواند.

۱۶- خلیج فارس؛ کانون همگرایی تمدن‌های اسلامی

برخلاف روایت‌های غربی که خلیج فارس را محل انشقاق شیعه و سنی می‌بینند، این پیام آن را محور وحدت برای صیانت از ثروت مسلمین ترسیم می‌کند. این نگاه تمدنی، مرزهای مذهبی را در نور دیده و بر «هویت منطقه‌ای مشترک» تأکید می‌ورزد.

۱۷- بازسازی غرور ملی و سرمایه اجتماعی

در لایه داخلی، این پیام به مثابه یک تزریق روحیه به بدنه جامعه است. تبیین دستاوردها و جایگاه برتر ایران در منطقه، حس خودباوری را تقویت کرده و نشان می‌دهد که هزینه‌های پرداخت شده برای استقلال، به یک «اقتدار ماندگار» تبدیل شده است.

۱۸- مدیریت بازار جهانی انرژی و نقش‌آفرینی در نظم نوین

ایران با تاکید بر مدیریت تنگه هرمز، خود را به عنوان بازیگر غیرقابل حذف در «امنیت انرژی قرن ۲۱» معرفی می‌کند. تحلیل این بند یعنی ایران می‌تواند در نظم جدید جهانی، از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی برای تحمیل اراده خود به مصرف‌کنندگان بزرگ غربی استفاده کند.

۱۹- تاریخ‌نگاری در لحظه؛ ثبت روایت پیروزی

این پیام با هوشمندی، کنش‌های امروز نیروهای مسلح و ملت ایران را در ردیف حماسه‌های تاریخی قرار می‌دهد. این کار باعث می‌شود که نسل‌های آینده، چالش‌های امروز را نه یک بحران، بلکه بخشی از روند «عظمت‌یافتگی ایران» درک کنند.

۲۰- تبیین دکترین نهایی: نظم «پس‌آمریکایی» در غرب آسیا

مهم‌ترین لایه پیام، ترسیم پایان دوران حضور فیزیکی و معنوی آمریکا در منطقه است. تحلیل نهایی نشان می‌دهد که از نظر ایران، «نظم قدیم» فروپاشیده و «نظم جدید» با محوریت ایران و مشارکت ملت‌های مستقل منطقه در حال استقرار است. این پیام، نقشه راهی برای دوران گذار به جهانی است که در آن غرب آسیا دیگر حیات خلوت هیچ ابرقدرتی نخواهد بود.

۲۱- تغییر موازنه از «امنیت فیزیکی» به «امنیت شناختی»

این پیام نشان‌دهنده یک چرخش مهم در راهبرد ایران است؛ ایران دیگر تنها به دنبال حضور فیزیکی در خلیج فارس نیست، بلکه به دنبال تسلط بر «روایت‌ها» است. با این پیام، ایران به کشورهای منطقه و جهان القا می‌کند که «ثبات» بدون اراده ایران هزینه‌بر خواهد بود. این یعنی تبدیل قدرت نظامی به یک اعتبار سیاسی که در محاسبات شرکت‌های بزرگ بیمه دریایی و بازارهای بورس انرژی اثر مستقیم می‌گذارد.

۲۲- مشروعیت‌بخشی به «حاکمیت بر آب‌های سرزمینی» در تراز بین‌المللی

در این پیام، تاکید بر هویت ایرانی خلیج فارس صرفاً یک بحث نام‌گذاری نیست، بلکه یک «ادعای حقوقی» برای تثبیت حاکمیت بر جزایر سه‌گانه و فلات قاره است. این پیام به دنیا یادآوری می‌کند که هرگونه نظم حقوقی در این پهنه آبی باید با پیش‌فرض «تاریخ ایرانی» آن تدوین شود، نه بر اساس توافقات استعماری قرن بیستم.

۲۳- خلیج فارس به عنوان «آزمایشگاه شکست هژمونی آمریکا»

یکی از نکات پنهان در ادبیات این پیام، معرفی خلیج فارس به عنوان اولین منطقه‌ای است که در آن «افسانه شکست‌ناپذیری ناوگان آمریکا» فرو ریخته است. اشاره به عقب‌راندن غریبه‌ها، در واقع معرفی خلیج فارس به عنوان نماد جهانی «گذار به جهان چندقطبی» است؛ جایی که قدرت‌های منطقه‌ای می‌توانند اراده خود را بر قدرت‌های اتمی فرامنطقه‌ای تحمیل کنند.

۲۴- پیوند «محیط زیست دریایی» با «امنیت پایدار» (دیپلماسی نرم)

می‌توان تحلیل کرد که وقتی پیام از «رفاه ملت‌های منطقه از این دارایی استراتژیک» سخن می‌گوید، به صورت غیرمستقیم به این اشاره دارد که حضور ناوگان‌های بیگانه و تنش‌های نظامی آن‌ها، اکوسیستم و معیشت مردم (صیادی و تجارت) را به خطر انداخته است. ایران با این پیام، خود را «دلسوز بومی» منطقه و بیگانگان را «آلوده‌کنندگان امنیت و محیط زیست» معرفی می‌کند.

۲۵- پیام به «بازیگران نوظهور» (چین و هند)

این پیام علاوه بر آمریکا، مخاطبان دیگری هم دارد. ایران با تاکید بر مدیریت تنگه هرمز، به قدرت‌های اقتصادی نوظهور شرق یادآوری می‌کند که برای تضمین امنیت انرژی خود در آینده، باید با «قدرت اصلی منطقه» یعنی ایران تعامل مستقیم داشته باشند و نمی‌توانند همچنان به چتر امنیتی فرسوده آمریکا تکیه کنند.